

موسسه راهبرد معاصر
مرکز رصد و تحلیل محتوا



گزارش راهبردی | شهریور ۹۷

همگرایی آمریکا با کردهای سوریه

تاکتیک یا اتحاد استراتژیک؟

همگرایی آمریکا با کردهای سوریه (YPG)؛ تاکتیک یا اتحاد استراتژیک

درباره نویسنده

احمد غم‌پرور، فارغ‌التحصیل کارشناس ارشد جغرافیای سیاسی از دانشگاه شهید بهشتی تهران و دانش‌آموخته دکترای همان رشته از دانشگاه خوارزمی است. غم‌پرور رتبه ۱۲ کارشناسی ارشد و ۱۸ دکترا در رشته جغرافیای سیاسی را کسب کرده است. از ایشان تاکنون آثار متعددی منتشر شده که در زیر به گزیده‌ای از آنها اشاره می‌شود:

- کتاب بحران ژئوپلیتیک در کردستان ترکیه
- کتاب صلح جغرافیایی؛ دگرگونی در نقشه ژئوپلیتیک خاورمیانه
- کتاب مبانی فلسفی دولت فرهنگ (در دست چاپ)
- کتاب تبیین سیستمی از دیالکتیک بازیگران در حوزه ژئوپلیتیک؛ نواحی کردنشین خاورمیانه (در دست چاپ)
- مجموعه مقالاتی به زبان فارسی
- مجموعه مقالاتی به زبان کردی

توصیه‌ها

- برخورد ژئوپلیتیک با بحران سوریه و پرهیز از مواضع احساسی و حساب نشده
- تعامل همزمان با دمشق / قامیشلی (به نمایندگی از کردها)
- حمایت از حضور کردها در گفتگوهای صلح
- در پیش گرفتن نگرشی بلندمدت و آینده‌نگرانه به بحران سوریه از زاویه فشار بر ترکیه در حوزه مسائل سیاسی و زیست‌محیطی



تاکنون آغازهای هزاره سوم میلادی برای خاورمیانه نوید بیشترین و عمیق‌ترین تغییر و تحولات بوده است. هنوز چندی از شروع هزاره نگذشته بود که حوادث یازده سپتامبر هزاران مایل دورتر از خاورمیانه در امریکا اتفاق افتاد و این کشور از فرصت به دست آمده برای تغییرات مدنظر خود در خاورمیانه استفاده کرد. بعد از حمله به افغانستان، عراق را به عنوان هدف بعدی تعریف کرد و علی‌رغم تمرکز بر سوریه اما این فرصت حدود یک دهه بعد فراهم شد زمانی که مردم کشورهای عربی علیه دولت‌ها اعتراضات گسترده‌ای را صورت دادند که به بهار عربی برای مردم / زمستان سرد و سخت برای دولت‌ها موسوم شد. این حرکتهای اعتراضی در ۲۰۱۱ م. سوریه را همچون شمالی‌ترین کشور عربی در نوردید و زمینه مداخله دولت‌ها در این کشور را باعث شد. در این میان، بدون شک امریکا همچون قدرتمندترین دولت جهان نمی‌تواند نسبت به تحول یادشده در سوریه بی‌تفاوت باشد و از همان روزهای نخست بر پافشاری راهبرد قدیمی یعنی دگرگونی رژیم دمشق با هدف کسب بیشترین منافع تاکید نمود. اما امکانات امریکا برای پیشبرد این سیاست در سوریه چه می‌تواند باشد؟ نیروهای اپوزیسیون سوریه که بخشی از آنها در قالب ارتش آزاد سوریه - بخش میانه‌رو - گرد هم آمده بودند گزینه خوبی از جانب اداره اوباما تشخیص داده شدند اما بعد از اندک زمانی این گروه نتوانست نتایج مورد نظر امریکا را برآورده کند بر همین اساس امریکا بر روی گزینه دیگری سرمایه‌گذاری کرد. کردها که نتایج درخشانی در مبارزه با گروه حکومت اسلامی موسوم به داعش به دست آورده و بسیار منسجم عمل می‌کردند، توجه اداره اوباما را به خود جلب کردند. اگرچه امریکا به همراه ترکیه از نیروهای کرد در قالب حزب اتحاد دموکراتیک خواسته بود با اپوزیسیون سوریه وارد ائتلاف شده و مطالبات خود را به پس از سقوط بشار اسد به تعویق اندازد^۱ و در این راه شکست خورده بود، لیکن کارآمدی و کیفیت نیروهای کردی گزینه‌ای نبود که امریکا بتواند از آن چشم‌پوشی کند. کردها در شمال کشور گزینه مکملی برای استراتژی امریکا در سوریه یا همان حضور "بدون پوتین روی زمین" بودند. سرانجام امریکایی‌ها توانستند کردها و بخشی از جامعه عرب، مسیحی‌ها و دیگر اقوام آسوری در شمال این کشور را در قالب نیروهای دموکراتیک سوریه^۲ (هه‌سه‌ده) به رهبری کردها گردهم آورند و نقش موثری در تحولات سوریه داشته باشند. حال پرسش کلیدی این است که همکاری امریکا با کردها تا کجا می‌تواند ادامه داشته باشد و این همکاری تاکتیکی یا از ماهیت استراتژیک برخوردار است؟ در ادامه به مهمترین مولفه‌های موثر بر تصمیم ایالات متحده در پیوند با پرسش طرح شده اشاره می‌شود.

وزن و موقعیت جغرافیایی / انسانی کردستان سوریه

کردها بزرگترین اقلیت قومی غیر عرب واقع در شمال سوریه هستند. قریب به اتفاق آنها سنی مذهب و با زبان کردی لهجه کُرمَانجی شمالی صحبت می‌کنند. بیشینه آنها در امتداد مرزهای عراق و ترکیه و در سه ناحیه

^۱ - غم‌پرور، احمد (۱۳۹۵) دگرگونی در نقشه ژئوپلیتیک خاورمیانه؛ صلح جغرافیایی، نشر انتخاب، تهران، ص ۳۶

^۲ - هئزه‌کانی سوریه‌ای دئموکراتیک / نیروهای دموکراتیک سوریه (SDF)



متمرکز هستند: جزیره در شمالی‌ترین نقطه، منطقه عین‌العرب در شمال که رود فرات در آن جاری است و سرانجام سرزمین‌های مرتفع در شمال‌غربی که به عفرین یا کردداغ شناخته می‌شوند. همچنین جمعیت قابل ملاحظه‌ای از آنها در حلب و دمشق ساکن هستند^۱. جمعیت کردهای سوریه ۳ میلیون نفر تخمین زده می‌شود – البته تعدادی از منابع به جمعیت ۳,۵ تا ۴ میلیون نفر اشاره می‌کنند^۲، که در این صورت آنها ۱۳ درصد از جمعیت ۲۳ میلیونی سوریه را به خود اختصاص می‌دهند^۳.

کردهای سوریه که برای دهه‌ها در معرض سیاست تعریب واقع شده بودند با شروع جنگ بین علوی و سنی‌ها، که در مارس ۲۰۱۱ م. شروع شد، از فرصت به دست آمده حداکثر استفاده را برده و شروع به سازماندهی در مناطق خود کردند^۴ و همچون منسجم‌ترین و کارآمدترین نیرو ظاهر شدند.

مشخصه دیگر جغرافیای کرد، سکولار بودن آنها است. در کنار این مشخصه میانه‌روی مذهبی هم مولفه‌ی دیگری است که به میزان زیادی آنها را از جامعه خود به ویژه عرب‌های سنی متمایز می‌کند. مجموعه این مشخصه‌ها – بزرگترین اقلیت قومی، موقعیت جغرافیایی ممتاز در سوریه، میانه‌روی، کارآمدی در حوزه نظامی، جمعیت قابل ملاحظه و... – به کردستان وزن ویژه‌ای بخشیده به گونه‌ای که به قدرت‌هایی همچون ایالات متحده توان کافی برای کنترل دمشق و رقیبان خواهد بخشید.

وزن و موقعیت جغرافیایی / انسانی سوریه

سوریه در جنوب غرب آسیا، نقطه اتصال سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا است. این کشور از شمال به ترکیه، از شرق به عراق، از جنوب به اردن و از غرب به لبنان و سواحل مدیترانه و از جنوب غربی به فلسطین اشغالی محدود شده است^۵. این جغرافیا هرچند با سرزمین باستانی آن منطبق نیست اما موقعیت آن در شرق مدیترانه و خط ساحلی به طول ۱۸۰ کیلومتر به آن موقعیت ویژه‌ای بخشیده است^۶.

^۱ - Austrian Centre for Country of Origin (۲۰۱۰) Human rights issues concerning Kurds in Syria, <http://www.rotekreuz.at/accord>. P ۸

^۲ - Orsam Report(۲۰۱۲) KURDISH MOVEMENTS IN SYRIA; Report No: ۱۲۷, August, p۹

^۳ - Hevian, Rodi(۲۰۱۳) THE RESURRECTION OF SYRIAN KURDISH POLITICS, Middle East Review of International Affairs, Vol. ۱۷, No. ۳ (Fall ۲۰۱۳), p۴۵

^۴ - Ibid, p۴۵

^۵ - <https://www.infoplease.com/country/syria>

^۶ - <https://www.britannica.com/place/Syria>



در پیوند با جغرافیای انسانی و مذهبی؛ سوریه جامعه‌ای به شدت متکثر است. غیر از عرب‌ها، کردها با ۱۳ درصد^۱ و در کنار آن چرکس و ترکمن‌ها ترکیب جمعیتی سوریه را کامل می‌کنند.^۲ به لحاظ مذهبی شیعیان ۱۳ درصد، اهل سنت ۷۴ درصد، مسیحیان ۱۰ درصد و دروزی‌ها نیز ۳ درصد از جمعیت این کشور را به خود اختصاص داده‌اند.^۳

به نسبت موقعیت ژئوپلیتیکی، قرار گرفتن در جوار لبنان و رژیم اشغالگر (اسرائیل) به سوریه ارزش ویژه‌ای بخشیده است. در جانب جنوبی این کشور، بلندی‌های جولان واقع شده که از سال ۱۹۶۷ م. در اشغال رژیم اشغالگر (اسرائیل) است.^۴ علاوه بر موارد یاد شده، موقعیت ژئوپلیتیک سوریه از چند منظر دیگر مهم است و این ارزش باعث می‌شود تا در معادله قدرت‌های جهانی مورد توجه ویژه باشد:

- منظر نخست: حضور در جبهه مقاومت و دفاع از مسئله فلسطین و نقش این کشور در صلح و سازش با رژیم اشغالگر (اسرائیل).
- منظر دوم: مواضع نزدیک به روسیه در دوران جنگ سرد و توجه ویژه این قدرت در دوره جدید.
- منظر سوم: نقطه اتصال مذهبی به نسبت مذهب حاکم؛ - اتصال تهران به بیروت.

حضور در سوریه و ملاحظات مربوط به رژیم اشغالگر (اسرائیل)

ایالات متحده و اسرائیل برای چندین دهه، روابط دوجانبه قوی را بر اساس تعدادی از عوامل، از جمله پشتیبانی قوی داخلی ایالات متحده از اسرائیل و امنیت آن، حفظ کرده‌اند؛ اهداف استراتژیک مشترک در خاورمیانه؛ تعهد متقابل به ارزش‌های دموکراتیک؛ و پیوندهای تاریخی از حمایت ایالات متحده از ایجاد اسرائیل در سال ۱۹۴۸ از جمله موارد مهم دیگر این اتحاد به شمار می‌روند. کمک‌های خارجی ایالات متحده جزء اصلی در تقویت این روابط بوده است. اگرچه ادارات متوالی برخی از سیاست‌های اسرائیل از جمله ساخت و ساز شهرک‌سازی در کرانه غربی را رد کرده‌اند، مقامات ایالات متحده و بسیاری از قانون‌گذاران مدت زیادی است که اسرائیل را یک شریک حیاتی در منطقه می‌دانند و بسته‌های کمک ایالات متحده برای اسرائیل این محاسبات را منعکس کرده است.^۵

^۱ - Hevian, Rodi (۲۰۱۳) THE RESURRECTION OF SYRIAN KURDISH POLITICS, Middle East Review of International Affairs, Vol. ۱۷, No. ۳ (Fall ۲۰۱۳), p۴۵

^۲ - محب علی، قاسم (۱۳۹۰) ریشه‌های بحران، مهرنامه، سال دوم، شماره هجدهم، دیماه، ص ۱۶۳

^۳ - Ibid. p۱۶۴

^۴ - <https://www.britannica.com/place/Syria>

^۵ - Sharp, Jeremy M. (۲۰۱۶) U.S. Foreign Aid to Israel, Congressional Research Service

/۷-۵۷۰۰ / www.crs.gov / RL۳۳۲۲۲, p۱



فرا تر از مزایای روزانه که ایالات متحده از روابط نزدیک با اسرائیل لذت می‌برد، ایالات متحده سه اصل اساسی در زمینه منافع مضاعف امنیت ملی دائمی و حیاتی در خاورمیانه دارد که اسرائیل پیش شرط قوی برای تضمین همه این منافع است. این منافع استراتژیک به شرح زیر هستند: اطمینان از جریان آرام و قابل اطمینان فرآورده‌های نفتی ارزان قیمت از منطقه به مصرف‌کنندگان جهانی از طریق خلیج فارس، خلیج عدن و کانال سوئز؛ کنترل و جلوگیری از رژیم‌ها بسیار رادیکال، دولت‌های فرعی و بازیگران غیردولتی از دستیابی به ابزارهایی که باعث بروز آسیب و فاجعه می‌شوند؛ و سرانجام حفظ توان ایالات متحده در صدور قدرت خود به منطقه خاورمیانه^۱. از این زاویه، حضور آمریکا در کردستان سوریه و همکاری با نیروهای کردی، تضمینی برای آینده روابط دو کشور و حفظ منافع حیاتی امریکا است.

ترکیه، همپیمان آمریکا در ناتو

ترکیه یکی از کشورهای کلیدی خاورمیانه است که با پایان جنگ دوم جهانی به عضویت ناتو درآمد و در دوران جنگ سرد یکی از ستون‌های آمریکا در منطقه برای کنترل و فشار بر رقیب ژئوپلیتیک خود یعنی اتحاد جماهیر شوروی بود. با پایان جنگ سرد روابط بین دو کشور اندکی سرد شد و دلیل عمده آن رفع تهدید کمونیسم بود. اما، در این راه نباید از تحولات سیاسی درون ترکیه هم به سادگی گذشت. در سال ۲۰۰۲ م احزاب اسلام‌گرا در این کشور قدرت را در دست گرفتند و نئوعثمانی‌گرایی بخشی از سیاست این کشور شد. نئوعثمانی‌گرایی به معنای بازگشت قدرت دوره عثمانی‌ها که به مدت نزدیک به شش سده بر جهان اسلام حکومت کردند و این برای آمریکا نمی‌تواند زیاد خوشایند باشد. با این وجود، آمریکا نمی‌خواهد ترکیه را از خود دور کند و در کنار تفاوت دیدگاه‌ها همواره نظری به ملاحظه منافع این کشور دارد.

یکی از موارد چالش‌آفرین از سال ۲۰۱۱ م در روابط بین آمریکا و ترکیه مسئله کردها در شمال سوریه بوده است، همپیمانی که آمریکا در وضعیت آشفته سوریه توانسته منافعش را از طریق آن به پیش ببرد. آنها اکنون در قالب نیروهای دموکراتیک سوریه^۲ بیش از یک سوم سرزمین سوریه را کنترل می‌کنند. ایالات متحده بارها اعلام کرده است که همپیمانانشان یعنی YPG را تروریست و ادامه حزب کارگران کردستان PKK نمی‌بینند، چیزی که از جانب ترکیه به شدت رد می‌شود. آنکارا در عوض مدعی است که دادن هر سلاحی به یه‌په‌گه / نیروهای اتحاد دموکراتیک به معنای تهدید امنیت ملی ترکیه است^۳. از نظر ترکیه هر کرد با اسلحه‌ای که در دست دارد یک تروریست است و نیروهای کرد سوریه یک ارتش تروریست به شمار می‌روند^۴. در این پیوند عمر

^۱ - Glick, Caroline (-) Strategic Foundations of the US-Israel Alliance, Decision Brief, Center for Security Policy, Talking Points

^۲ - Syrian Democratic Forces

^۳ - Ismaeel, Bashdar (۲۰۱۷) US alliance with Syrian Kurds: long-term strategy or tactical ploy? <http://www.kurdistan24.net/en/news/۴e۸c۳۱b۳-۱۷۷e-۴۰۳۳-۹۸۹۳-۶fcd۷۳d۵۳e۷>

^۴ - DYER, GWYNNE (۲۰۱۸) WILL THE US BETRAY THE SYRIAN KURDS? <https://www.jpost.com/Opinion/Will-the-US-betray-the-Syrian-Kurds-۵۳۹۲۷۹>



کورکماز، مشاور نخست‌وزیر در دوره احمد داود اغلو، چنین ارتباطی بین آمریکا و نیروهای کردی را یکی از مولفه‌های محل مناقشه بین دو عضو پیمان ناتو معرفی کرد. این در حالی است که منابع از وعده‌هایی مبنی بر رعایت حقوق کردها در قانون اساسی آینده از جانب آمریکا خبر داده‌اند.^۱ به هر روی، ترک‌ها تلاش می‌کنند تا نقطه پایانی بر روابط کردها و آمریکا بگذارند یا حداقل کردها را وادار به عقب‌نشینی از چنین روابطی کنند. اما آمریکا سه هدف دیگر را از چنین ارتباطی دنبال می‌کند: یک؛ نسبت به ایران، دوم؛ داخل سوریه و سوم نسبت روسیه. در هر کدام از این اهداف کردها نقش اصلی ایفا می‌کنند.^۲ با تمام این مسائل، به نظر می‌رسد مسئله‌ای آمریکا را به سمت لحاظ داشت منافع ترکیه تشویق می‌کند و آن اینکه روابط دولت - دولت همیشه قدرتمندتر از روابط دولت - غیردولت بوده است. مصداق روشن این گفته چشم‌پوشی آمریکا از عملیات سپر فرات، سکوت در برابر عملیات شاخه زیتون و جدیداً توافق با ترکیه بر سر منبج است.

استراتژی کردها در طول دوره بحران در سوریه اتصال نقاط کردنشین این کشور و تبدیل آن‌ها به یک سرزمین یکپارچه بوده است. اجرای این سیاست در بخش شرقی و غربی بدون مشکل به نتیجه رسید اما تحقق آن در بخش میانی آن یعنی پیرامون فرات به سمت مرزهای ترکیه که محل ورود نیروهای تندرو داعش از ترکیه هم بود با مانع بزرگی بنام ترکیه روبرو شد. این کشور در قالب عملیات سپر فرات مانع از عملی شدن برنامه کردها شد و کمترین واکنش آمریکا را هم به همراه داشت.

در سیاستی دیگر، ترکیه در زمستان گذشته (۱۳۹۶ ه.ش) "عملیات شاخه زیتون" در برابر نیروهای دموکراتیک سوریه (SDF) با هدف عفرین را شروع کرد. وزیر امور خارجه تیلرسون نگرانی ترکیه از بابت حمله به عفرین را تأیید کرد.^۳ جمیل بایک این موضع آمریکا را سکوت و چراغ سبز این کشور در قبال حمله ترکیه به عفرین تفسیر کرد.^۴

نزدیک‌ترین مورد از ملاحظه منافع ترکیه از جانب آمریکا، توافق دو کشور بر سر منبج و خروج نیروهای کرد از این شهر است. دو کشور در باره برنامه‌ریزی برای از خروج مبارزان کرد از شهر منبج به عنوان یک گام در جهت حل و فصل یکی از شدیدترین اختلافاتی که اخیراً بین کشورهای مختلف فوران کرده بود، توافق کردند. براساس بیانیه وزارت امور خارجه پس از ملاقات وزیر امور خارجه آمریکا مایک پومپئو و وزیر خارجه ترکیه، مولود چاوش

^۱ - نوئنهری ئەمریکا بە ئەن ئاک بە کوردی رۆژئاوای کوردستان دەدات: وەرگێراو ل:.

<http://www.kurdistan24.net/so/news>

^۲ - سەردار عەزیز (۲۰۱۸) عەفرین و شەڕەکانی سوریا: وەرگێراو ل:.

<http://diplomaticmagazine.net/opinion/۱۱۱>

^۳ - ALDARWISH, DARYOUS (۲۰۱۸) DO SYRIAN KURDS STILL NEED AMERICA, <https://www.jpost.com/Opinion/Do-Syrian-Kurds-still-need-America-۵۳۹۹۸۳>

^۴ - جه میل بایک: کورد یه کپارچه‌یی سووریای دهوئ؛ وەرگێراو ل:.

<http://www.kurdistan24.net/so/news/e۹c۵cdb۵-f۹۸d-۴۶۲e-a۰۵-۰۶۰f۳f۱a۰f۴cb>



اوغلو، دو کشور بر سر "یک نقشه راه" برای "اطمینان از امنیت و ثبات در منبج" به توافق رسیدند^۱ چیزی که به کاهش تنش دو متحد ناتو کمک می‌کند.^۲

اهداف ژئوپلیتیک از حضور در سوریه / کنترل روسیه و ایران

امریکا همچون بزرگترین قدرت فعلی جهان برای تداوم هژمونی خود از هیچ تلاشی فروگذاری نخواهد کرد. یکی از استراتژی‌ها این کشور برای موفقیت در این زمینه حضور در مناطق جغرافیایی حساس و به ویژه با وزن ژئوپلیتیک بالاست. بدون شک خاورمیانه به طور عام و سوریه با هلال حاصلخیز آن همچون کانون دنیای قدیم و قلب عرب‌ها به طور اخص یکی از آن مناطق به شمار می‌رود.

سوریه بویژه بعد از کودتای بعث در ۱۹۶۳ که بسترها برای سوریه همچون واحد سیاسی قدرتمند فراهم شد، همواره پایگاه ثابت روسیه بوده است. دمشق مورد "توجه ویژه" مسکو بوده و متاثر از آن روابط دو کشور وجه راهبردی به خود گرفته است، از این رو، بدیهی است تعامل روسیه با کرد کاملاً موازی با سیاست دمشق بوده باشد، این در حالی است که برای امریکا وضعیت به گونه‌ی دیگری است. روابط امریکا و سوریه در طول سده‌ی بیستم بویژه از زمامداری اسد تا ۲۰۰۳ یعنی حمله امریکا به عراق، هرچند وجه راهبرد به خود ندیده است، ولی همواره برقرار بود. امریکا از قبل آن سعی می‌کرد سیاست در جغرافیای پیرامون اسرائیل را مدیریت کند و مساله کرد نیز در این چارچوب مورد تعامل قرار می‌گرفت.^۳ اکنون زمینه مناسبی در اختیار امریکا است تا حضور خود در این کشور را تثبیت کند. هرچند مسکو و تهران ایالات متحده امریکا را متهم به برنامه‌ریزی برای تقسیم سوریه کرده‌اند، اما منافع استراتژیک حضور امریکا در شمال این کشور عمیق‌تر از آن است که امریکا در مقابل چنین اتهاماتی، تن به خروج از سوریه بدهد. برعکس، واشنگتن یک ارتش کردی در شمال شرقی سوریه تشکیل داد و اعلام کرد که ۲۰۰۰ سرباز آمریکایی به طور نامحدود در آنجا خواهند ماند و به طور دقیق‌تر: تا زمانی که پیشرفت در مذاکرات صلح تحت رهبری سازمان ملل در ژنو صورت گیرد و دولت اسلامی به طور کامل شکست بخورد، در آنجا ماندگار خواهند بود. به نظر می‌رسد، یکی از اهداف اصلی این حضور، احتمالاً کنترل و متوقف ساختن روس‌ها و ایران باشد.^۴

^۱ - Gall, Carlotta (۲۰۱۸) U.S. and Turkey Agree on Kurds' Withdrawal From Syrian Town, <https://www.nytimes.com/۲۰۱۸/۰۶/۲۰/world/middleeast/turkey-syria-kurds-manbij.html>.

^۲ - Lederman, Josh (۲۰۱۸) Syrian Kurds to leave Manbij under delicate US-Turkey deal, <https://www.militarytimes.com/flashpoints/۲۰۱۸/۰۶/۰۴/us-turkey-say-plan-reached-to-resolve-rift-over-us-backed-kurdish-fighters-in-syria-town/>

^۳ - غم‌پرور، احمد (۱۳۹۶) تبیین مکانیسمی از دیالکتیک بازیگران در حوزه ژئوپلیتیک؛ مطالعه موردی: نواحی

گردنشین خاورمیانه، رساله دکتری، دانشگاه خوارزمی، چاپ نشده. ص ۴۴۱

^۴ - DYER, GWYNNE (۲۰۱۸) WILL THE US BETRAY THE SYRIAN KURDS? <https://www.jpost.com/Opinion/Will-the-US-betray-the-Syrian-Kurds-۵۳۹۲۷۹>



اهداف و ایدئولوژی متفاوت واشنگتن/قامیشلی

در کنار موارد یاد شده، دو عامل اهداف و ایدئولوژی متفاوت را هم باید در همکاری آمریکا با کردها مدنظر قرار داد. همکاری آمریکای سرمایه‌دار / لیبرال با نیروهای دموکراتیک کرد با ایدئولوژی چپ و سوسیالیست ممکن است شانس اندکی به نسبت اتحاد استراتژیک باقی بگذارد. پر واضح است سیاست خارجی آمریکا بر اساس دو ستون منافع اقتصادی و اخلاق سیاسی که آمریکایی‌ها از آن به آزادی و دموکراسی یاد می‌کنند، استوار است.

در این راستا، آمریکا در بحران سوریه به کردها کمک کرد و به همان شیوه کردها، اما در سیاست بلند مدت آمریکا، برای سوریه جایگاه کردها هنوز نامشخص است. یکی از دلایل این امر، به چپ بودن نیروهای کردی برمی‌گردد. جان بولتون، مشاور امنیت ملی ترامپ، اعلام کرد که: کردها در شمال سوریه اعتقادی به سیستم سیاسی / اقتصادی ما ندارند و کمونیست هستند، از این رو، لازم است بعد از پایان جنگ با داعش در سیاستمان نسبت به آنها تجدیدنظر کنیم^۱.

مسئله دیگر به اهداف متفاوت برمی‌گردد که آمریکا و نیروهای کردی برای آن تلاش می‌کنند. کردها در پایان نشستی که در روزهای ۱۶ و ۱۷ مارس، در شهر رمیلان در کانتون جزیره برگزار شد، به برقراری سیستم "فدرالیسم دموکراتیک" در شمال سوریه رای دادند. در بیانیه‌ی مجلس موسسان اتحاد فدرال دموکراتیک شمال سوریه، که پس از آن منتشر شد، تأکید شده است که سیستم "فدرالیسم دموکراتیک" مشارکت تمام گروه‌های قومی و مذهبی را در آینده‌ی سوریه تضمین می‌کند^۲. اما این تصمیم نمی‌تواند خوشایند آمریکایی‌ها باشد، چرا که آنها اعلام کردند که مخالف اعلام منطقه خودمختار خودمدیریتی کردهای سوریه هستند، زیرا هدف بلند مدت نشست‌های سازمان ملل متحد که ایجاد حکومتی ملی و یکپارچه بدون بشار اسد است را زیر پا می‌گذارد. اگرچه فکر سیستم فدرال از طرف فیلیپ گوردون و جیمس دوینیس در دولت اوباما همچون راه‌حلی برای مشکل سوریه طرح و مورد پشتیبانی روس‌ها نیز واقع شده است^۳ با این وجود، تا کنون آمریکایی‌ها به نفع سیستم یکپارچه و متمرکز در سوریه تلاش کرده و علیه خودمدیریتی کردها بوده‌اند^۴.

^۱ - ق‌هوامی، رامان: داهاتووی رۆژئاوای کوردستان چی ده‌ئەت؟ وەرگێراو ل.

<http://www.kurdistan24.net/so/opinion/42830962-e4-325c90-bb87-cf256e9497fd>

^۲ - اسدی، آرشی (۱۳۹۵) خودگردانی محلی، بدیل هیولای دولت؟ / نگاهی به فدرالیسم دموکراتیک در سوریه؛ برگرفته از: <https://pecritique.com/14/05/2016/خودگردانی-محلی-بدیل-هیولای-دولت-آرشی/>

^۳ - بریاری خۆ بە ڕێهێڵبەری کورد لە سوریا، وەرگێراو لە نی‌ۆی‌ۆرک تایمز؛

https://www.dwarozh.net/wtar_details.aspx?jimare=14

^۴ - ق‌هوامی، رامان: داهاتووی رۆژئاوای کوردستان چی ده‌ئەت؟ وەرگێراو ل.

<http://www.kurdistan24.net/so/opinion/42830962-e4-325c90-bb87-cf256e9497fd>



روابط نیروهای کردی سوریه با حکومت مرکزی

مولفه موثر دیگر، روابط نامشخص جغرافیای کرد سوریه با حکومت مرکزی است. در طول بحران سوریه بین حکومت مرکزی و نیروهای کرد وضعیت نه جنگ و نه صلح برقرار بوده است، هرچند، در این مدت گاهی بین دو قطب درگیری‌های گرمی نیز اتفاق افتاده است، با این وجود، کردها درهای گفتگو با حکومت مرکزی را باز گذاشته‌اند و این امر ممکن است بر تصمیم اداره امریکا تاثیرگذار باشد.

در جریان حمله ترکیه به عفرین و اشغال خاک این کشور، کردها بعد از ناامیدی از امریکا دست به سوی حکومت مرکزی دراز کردند. این امر باعث شد تا در عفرین اتحاد نیروهای کرد با حکومت مرکزی را شاهد باشیم و این یعنی اتحاد متحدان امریکا با رژیم اسد، کسی که امریکا در چند سال گذشته تلاش نموده تا او را از قدرت به زیر بکشد. علاوه بر مورد همکاری عفرین، کردها و حکومت مرکزی چند دور گفتگوهای سوری / سوری با هدف حل مشکل سوریه در شمال این کشور برگزار کرده‌اند و امروز (۵ مرداد ۱۳۹۷) در ادامه این سلسله گفتگوها، هیئتی از جانب کردها به دمشق سفر کرده است. البته نباید مسئله را تنها از یک زاویه دید و در کنار آن باید به پتانسیل نهفته در این نشست‌ها هم توجه نمود که به پیشبرد منافع آمریکا کمک می‌کند، زیرا از آنجایی که کردها به نوعی همپیمان امریکا محسوب می‌شوند، به میزانی که گفتگوهای بین قامیشلی و دمشق سازنده‌تر باشد به طور غیرمستقیم موفقیت امریکا نیز قلمداد می‌شود و از این جهت است که در نخستین دیدار ترامپ با پوتین، ترامپ بر نقش و حضور نیروهای کرد سوریه در نشست‌های آتی صلح تاکید نمود.

مصادق‌های عینی

ویلادمیر لیپوهین در سایت ریا نووستی روسیه در مقاله‌ای تحت عنوان (امریکا کوزووی دوم در خاورمیانه درست می‌کند) می‌نویسد: امریکا درصدد است یک پایگاه نظامی در سوریه برای خود تاسیس کند.

لیپوهین به این نکته اشاره می‌کند که وجود امریکا در خاک سوریه هدف اصلیش مقابله با داعش نبوده است. به زعم نویسنده هدف اصلی باراک اوباما، رئیس جمهور قبلی از سقوط رژیم اسد تحقق دموکراسی در سوریه بود اما برای ترامپ این مسئله متفاوت است. او که سیاست عملگرایی را دنبال می‌کند و به دنبال تحقق منافع است، دموکراسی کمتر محل تاکید است.

لیپوهین مدعی است امریکا کردها را برای اهدافش به کار می‌گیرد و در پی است در خاورمیانه دولتی همچون کوزوو تاسیس کند و همان ابزارها را برای تحقق این هدف تحت نظر ناتو به کار می‌گیرد^۱. نظر لیپوهین با اعلام تصمیم امریکا مبنی بر ایجاد یک نیروی ۳۰ هزار نفری با کمک SDF طی چندین سال آینده برای تامین امنیت

^۱ - «امریکا ده‌ولت‌ئ‌ک له باکووری سووریا بۆ کورد دروسته‌کات: وەرگێڕاو ل».



مرزهای شمالی سوریه تحت کنترل نیروهای کرد و اقدام به تاسیس مراکز نظامی مصداق می‌یابد.^۱ این تصمیم در نوع خود از دو نکته پرده برمی‌دارد: نخست؛ روابط آمریکا با کردها بعد از حذف داعش هم ادامه خواهد داشت، دوم؛ آمریکا با بودنش در شمال سوریه نوعی خودمختاری به کردها خواهد بخشید.^۲

فرجام

ایالات متحده به ویژه بعد از پایان جنگ سرد تبدیل به قدرت نخست جهانی شده است. این جایگاه بدون شک برای آمریکا امتیازاتی به همراه دارد، بر این اساس این کشور برای حفظ آن حداکثر تلاش خود را به کار خواهد گرفت. در این پیوند، یکی از استراتژی‌های آمریکا حضور در مناطق جغرافیایی با ارزش ژئوپلیتیک است. حضور در چنین نواحی‌ای به آمریکا اجازه می‌دهد تا از نزدیک در جریان امور باشد و از این طریق رقیبان احتمالی را کنترل کند. حضور آمریکا در کردستان سوریه و همکاری با نیروهای کردی در این چارچوب قابل تعریف است. تحلیل کلی مولفه‌های اشاره شده نشان می‌دهد که همکاری آمریکا با نیروهای کردی نمی‌تواند تاکتیکی یا استراتژیکی باشد. تاکتیکی نیست به این خاطر که با حذف نیروی دولت اسلامی می‌بایست همکاری قطع یا تضعیف می‌شد و استراتژیکی هم نیست زیرا در آن صورت آمریکا برای حمایت از نیروهای کردی از هیچ تلاشی فروگذاری نمی‌کرد. با این وجود، به نظر می‌رسد آمریکا کردستان سوریه را جغرافیایی با وزن ژئوپلیتیک بالا جهت کنترل رقیبان و مدیریت تحولات سوریه و پیرامون آن ارزیابی کرده و این تحولات سال یا دهه‌های آینده است که پایان همکاری آمریکا با نیروهای کرد سوریه را مشخص خواهد کرد.

^۱ - DYER, GWYNNE (۲۰۱۸) WILL THE US BETRAY THE SYRIAN KURDS?

<https://www.jpost.com/Opinion/Will-the-US-betray-the-Syrian-Kurds-539279>

^۲ - سهردار عهزیز (۲۰۱۸) عفرین و شه‌کهانی سوریه: ویرگ‌نژاد ل.

<http://diplomaticmagazine.net/opinion/111>